

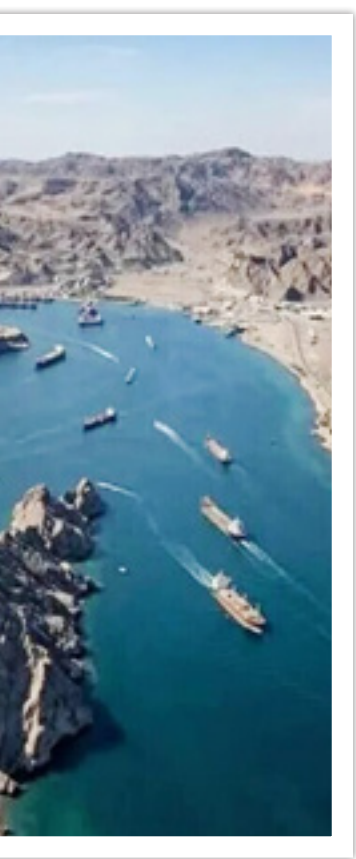
گفت‌وگو. «جوان» با مرتضی رفیعی بصیری، پژوهشگر روابط بین‌الملل

دریافت عوارض در آب‌های تحت نظارت ایران قانونی است

«این حق ایران است که در آب‌های سرزمینی و تحت نظارت خود عوارض عبور دریافت کند. در این موضوع ترکیه، مصر، استرالیا، کانادا و دانمارک هم مشابه ما هستند. ترکیه هم مثل ایران عضو کنوانسیون حقوق دریاهای نیست و ده‌ها سال است از تنگه‌های در چوار خود که اتفاقاً در آبراه‌های بین‌المللی هستند، «عوارض عبور» دریافت می‌کند.» این بخشی از مصاحبه مرتضی رفیعی بصیری، پژوهشگر روابط بین‌الملل با «جوان» است. البته بر این موضوع هم تأکید می‌کند که تفسیر ایران از حقوق دریاهای امنیت‌محور و مبتنی بر منافع ملی است. بر این اساس ایران با توجه به تجربه جنگ اخیر در صدد است با کشور عمان که در سسوی دیگر تنگه هرمز قرار دارد، پروتکل جدیدی طراحی کند تا عبور و مرور صلح‌آمیز کشتی‌ها از این تنگه به صورت دائمی یا در نظر گرفتن منافع ایران و عمان تضمین شود. بر این اساس «عبور بی‌ضرر» با حفظ امنیت دو کشور ایران و عمان طبق قواعد تعیین شده در پروتکل جدید خواهد بود. مشروح این گفت‌وگو به شرح زیر است.

چه قوانینی مرتبط با حقوق دریایی در حقوق بین‌الملل شناسانده شده است (مانند آب‌های سرزمینی، منطقه مجاور، آب‌های داخلی، منطقه اقتصادی ویژه و دریای آزاد) و هر کدام چه اختیارات و محدودیت‌هایی برای کشورهای ساحلی ایجاد می‌کنند؟

دقت کنیم تنگه هرمز در آب‌های بین‌المللی نیست. تنگه هرمز ۲۱ مایل دریایی است. بر اساس کنوانسیون حقوق دریاهای سرزمینی کشورها ۱۲ مایل دریایی است و منطقه نظارت کشورها هم ۱۲ مایل دریایی فراتر از آب‌های سرزمینی است. در این منطقه قوانین کشور ساحلی باید رعایت شود. شرط سوم این است «منطقه انحصاری اقتصادی» کشورها هم ۲۰۰ مایل دریایی است. «وقایع این منطقه که از اسمش پیداست کشور ساحلی در حوزه منافع اقتصادی انحصار دارد. دکتر عراقچی هم در مصاحبه اخیر با الجزیره اشاره کردند: «واقعیت این است که تنگه هرمز در آب‌های سرزمینی ایران و عمان قرار دارد. تنگه هرمز در آب‌های بین‌المللی نیست. این آب‌های داخلی ایران و عمان است.» اگر کمی تاریخ بخوانیم باید بدانیم که موضوع حقوق ایران در تنگه هرمز چیز جدیدی نیست. در کنفرانس سال ۱۳۳۷ حقوق دریاهای در ژنو، دکتر احمد متین‌دفتری، نماینده ایران بود و در صورت جلسه کنفرانس آمده که وی ۹ بار حین کنفرانس به بندهای مطرح شده نقد داشت. در نهایت با تلاش دکتر متین‌دفتری که آن سال‌ها ستاوت‌بود این کنوانسیون در قوه مقننه ایران تصویب نشد. به این ترتیب این حق ایران است که در آب‌های سرزمینی و تحت نظارت خود عوارض عبور دریافت کند. در این موضوع ایران ترکیه، مصر، استرالیا، کانادا



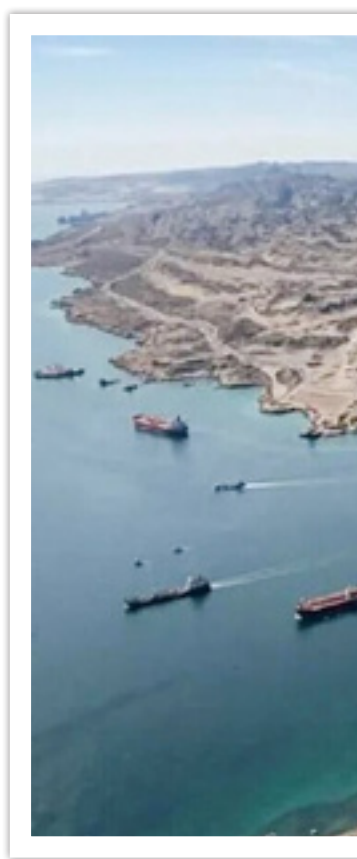
و دانمارک هم مشابه ما هستند. ترکیه هم مثل ایران عضو کنوانسیون حقوق دریاهای نیست و ده‌ها سال است از تنگه‌های در چوار خود که اتفاقاً در آبراه‌های بین‌المللی هستند، «عوارض عبور» دریافت می‌کند. بر اساس کنوانسیون حقوق دریاهای (UNCLOS)، حقوق و وظایف کشور ساحلی در هر یک از این مناطق چگونه تعریف شده است و چه مواردی شامل کشورمان می‌شود؟

در تنگه‌های بین‌المللی دولت‌ها وظایف ندارند بلکه اختیارات دارند. در تنگه‌ها اختیارات دولت ساحلی عبارتند از:

- ۱- حق بهره‌برداری از منابع اقتصادی دریا
- ۲- حق تنظیم مقررات برای بهره‌برداری از منابع شیلات
- ۳- دارا بودن حق وضع مقررات در امور بهداشتی، زیست محیطی، مهاجرتی و گمرکی ۴- حق انجام تحقیقات علمی و ایجاد تأسیسات.

مفاهیمی مانند «دریافت عوارض» چه معنایی دارند و کشورهای ساحلی چگونه می‌توانند سیاست‌های خود را مطابق با این مفاهیم تنظیم کنند؟

دریافت عوارض یعنی پرداخت هزینه عبور. اکنون عوارض عبور از آبراه‌ها به دلیل ارائه خدمات، تأمین



۱۰ کشور از جمله انگلستان از قاعده سه‌مایل پیروی می‌کنند. حق عبور بی‌ضرر مهم‌ترین حقی است که مقررات عرفی و قراردادی بین‌المللی و همچنین رویه قضایی بین‌المللی برای دولت‌های ثالث در دریای سرزمینی یک کشور شناخته است. طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ عبور بی‌ضرر از سوی کشورهای ساحلی در آبراه‌ها از جمله جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود.

اصول عبور بین‌المللی در تنگه‌ها چگونه تعریف شده و ایران چگونه می‌تواند هم‌زمان با رعایت این اصول، حاکمیت دریایی خود را در دریافت حقوق عبور اعمال کند؟

عبور بی‌ضرر یک مفهوم در کنوانسیون ۱۹۸۲ ملل متحد درباره حقوق دریاهای است که به کشتی‌ها اجازه می‌دهد برای عبور از آب‌های سرزمینی یک کشور دیگر بر اساس محدودیت‌های خاصی، عبور کنند. اما در شرایط جنگی مقررات حقوق جنگ حاکم است که بر اساس آن اگر کشوری درگیر جنگ باشد از حق بازرسی کشتی‌های عبوری بر خوددار است. بر اساس این رویه تاکنون ترکیه، مصر، دانمارک، پاناما و استرالیا با اعمال حاکمیت خود در عبور کشتی‌ها در آبراه‌های خود عوارض دریافت کرده‌اند. به عنوان نمونه در جنگ اوکراین ترکیه اجازه تردد کشتی‌های نظامی دو طرف جنگ را از تنگه‌های خود نداد.

رویه قضایی بین‌المللی (مانند دیوان بین‌المللی دادگستری) در موارد مشابه چگونه به حاکمیت کشورهای ساحلی در تنگه‌ها مشروعیت داده است؟

دیوان بین‌المللی دادگستری، بعد از سپری شدن حدود شش سال از زمان آغاز رسیدگی در تاریخ اول دسامبر ۲۰۲۲، رأی خود را در قضیه «اختلاف پیرامون وضعیت و استفاده از آب‌های سیلاوا (شیلی علیه بولیوی)» صادر کرد. دیوان در این قضیه، در پی یافتن جنبه‌های همگرایی و نزدیک کردن دیدگاه‌های طرفین و دعوت طرف‌ها برای همکاری بوده تا رفع واقعی اختلاف و صدور رأی در رابطه با تأیید یا رد یک ادعا، بنابراین این نظر دیوان مخالف نظر کشورهای ساحلی در آبراه‌های بین‌المللی است.

چه ابزارهای قانونی بین‌المللی برای حل اختلافات احتمالی درباره استفاده از تنگه‌ها وجود دارد و ایران چگونه می‌تواند از آنها بهره‌برداری کند؟

ایران عضو کنوانسیون حقوق دریاهای (UNCLOS) مصوب ۱۹۸۲ میلادی نیست و تفسیر ایران از حقوق دریاهای این کنوانسیون تفاوت‌های کلیدی دارد. دولت ایران کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای را اما از تصویب آن امتناع کرده و هیچ طرح یا لایحه‌ای در دولت و مجلس برای تصویب آن ارائه نشده است، البته برخی کشورهای عضو این کنوانسیون نیز در برخی موارد «حق شرط‌هایی» (Reservation) بر آن اعمال کرده‌اند. مثلاً چین در خصوص حقوق دریاهای پیرامونی خود «حق شرط‌های خود را مطرح کرده است. در موارد اختلافی می‌توان به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کرد.

با وجود بی‌توجهی مطلق رژیم تروریستی امریکا و نیروی نیابتی‌اش، رژیم صهیونیستی، آیا همچنان باید طبق قواعد حقوقی اقدام کنیم؟ ولو اینکه این حقوق آورده‌ای برای ما نداشته باشد؟

هر چند ایران عضو کنوانسیون نیست، اما بخش عمده اصول آن در موضوع تنگه‌ها جنبه عرفی یافته و برای همه دولت‌ها الزام‌آور تلقی می‌شود. در چنین تنگه‌هایی اگرچه عبور و مرور برای کشتی‌های تجاری تضمین شده است، اما این عبور در محدوده آب‌های سرزمینی ایران و عمان انجام می‌شود، بنابراین اصل حاکمیت ساحلی همچنان پابرجاست. جمهوری اسلامی ایران به دلیل تغییر با منافع ملی خود تاکنون مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ رفتار نکرده، آن را امضا کرده ولی هنوز در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسانده است. به طور کلی ایران به جای پذیرش کامل UNCLOS، از ترکیبی از قوانین داخلی، موازین عرفی و رویکرد امنیت‌محور استفاده می‌کند. این استراتژی به ایران اعطای بیشتری می‌دهد. بر این اساس، تفسیر ایران از حقوق دریاهای امنیت‌محور و مبتنی بر منافع ملی است. بر این اساس ایران با توجه به تجربه جنگ اخیر در صدد است با کشور عمان که در سسوی دیگر تنگه هرمز قرار دارد پروتکل جدیدی طراحی کند تا عبور و مرور صلح‌آمیز کشتی‌ها از این تنگه به صورت دائمی یا در نظر گرفتن منافع ایران و عمان تضمین شود. بر این اساس عبور و مرور پس از جنگ از این تنگه بر اساس «عبور بی‌ضرر» با حفظ امنیت دو کشور ایران و عمان طبق قواعد تعیین شده در پروتکل جدید خواهد بود. این در حالی است که امریکا در خلال جنگی که خود راه انداخته، تأمین امنیت این تنگه را متوجه کشورهای ذی‌نفع از آن (کشورهای عربی و اروپایی) کرده است. دولت امریکا در این راستا در صدد تشکیل ائتلاف بین‌المللی به منظور اسکورت کشتی‌ها جهت عبور از تنگه هرمز برآمد که بسیاری از متحدان امریکا در ناوتو، ژاپن، کره جنوبی و استرالیا به آن نپیوستند. فرانسه هم اعلام کرد چنین سازوکاری باید بعد از جنگ و در شرایط آرامی با هماهنگی ایران انجام شود. دبیر کل سازمان بین‌المللی دریاوردی به صراحت اعلام کرده اسکورت کشتی‌ها در تنگه هرمز، راهکاری بی‌معناست. او بر اظهارات مدیر شرکت معروف «هرسک» تأکید کرد و هشدار داد شرکت‌ها و صاحبان کشتی‌ها، به این راحتی ریسک عبور از تنگه نمی‌پذیرند. از طرف دیگر، تشکیل چنین ائتلافی در تنگه هرمز به معنای اعلام جنگ به ایران از سوی کشورهای عضو ائتلاف خواهد بود. در چنین شرایطی ایران مطابق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل، «حق دفاع مشروع» خواهد داشت. بنابر تنگه هرمز نه تنها به معنای کاهش صادرات نفت نیست بلکه اختلافی در زنجیره تبدیل نفت و گاز به برق، کود، محصولات کشاورزی، صنعت، حمل‌ونقل و تجارت جهانی ایجاد می‌کند. این تنگه مستون فقرات یک «شبه‌جهانی وابستگی» است که از ژاپن و کره تا هند، اروپا و فراتر از آن گسترده شده است.

دولت منتسب باشد، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود. اقدام رژیم تروریستی امریکا در انسداد مسیرهای تجاری، به خسارات اقتصادی و عدم‌التفیع در قراردادهای تجاری ایران منجر می‌شود. از منظر استنباط حقوقی، ایران نه تنها حق دارد پایان فوری این محاصره را مطالبه کند، بلکه می‌تواند در دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) بابت تمامی خسارات وارده، علیه این رژیم تروریستی طرح دعوا کند چرا این محاصره، یک تضییع حق آشکار است که طبق قاعده لاضرر، باید جبران شود.

ایران حق دفاع مشروع دارد

همچنین در برابر این تجاوز عیان، حقوق بین‌الملل برای ایران حق دفاع مشروع تعریف کرده است. ماده ۵۱ منشور ملل متحد، حق ذاتی دفاع مشروع را برای کشوری که مورد حمله مسلحانه قرار گرفته است، به رسمیت می‌شناسد. از آنجا که طبق قطعنامه ۳۳۱۴، محاصره دریایی مصداق حمله و تجاوز است، ایران قانوناً مجاز است برای دفع این تهدید و باز کردن مسیرهای مواصلاتی خود، به اقدامات متناسب متوسل شود. اگر محاصره در آب‌های بین‌المللی ادامه یابد و امنیت ملی و زیست مردم به خطر بیفتد، ایران حق دارد از ظرفیت‌های جغرافیایی خود در تنگه هرمز برای مقابله به‌مثل استفاده کند. این اقدام ایران، نه شروع یک تنش، بلکه واکنشی قانونی برای پایان دادن به یک تجاوز غیرقانونی اولیه است.

سکوت مراجع بین‌المللی، پذیرش قلدری است

از طرفی محاصره دریایی ایران از سوی رژیم تروریستی امریکا، لکه‌نگی بر پیشانی حقوق بین‌الملل در قرن جدید است؛ حقوقی که سال‌ها برای تدوین آن زمان گذاشته شد اما در عمل مسکون است؛ سکوت مجامع جهانی در برابر این اقدام، به معنای تأیید قانون جنگل و مشروعیت بخشیدن به قلدری نظامی است و مسران تروریست امریکا با این رفتار، نه تنها ایران را محاصره کرده بلکه در حال خفه کردن روح قانون در جهان است. عدالت حکم می‌کند پهنه‌های آبی، مسیر صلح و تجارت باشند، نه ابزار برای به زانو درآوردن ملت‌ها.

«محاصره دریایی» جنایت عیان رژیم تروریستی امریکا است

آنچه «محاصره دریایی» رژیم تروریستی امریکا علیه کشورمان نامیده می‌شود، حتی به استناد قوانین خود جهان غرب، جنایت علیه بشریت است

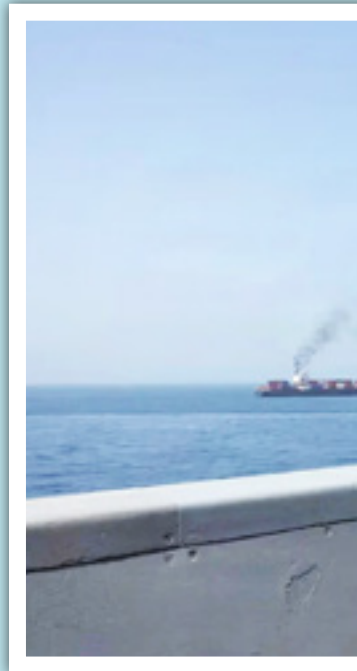


توان علیه آن بایستد.

■ نقض آزادی ناوبری و پارادوکس امریکایی
رژیم تروریستی به پهانه آزادی ناوبری اقدام به محاصره کرده اما محاصره فعلی ایران، بزرگ‌ترین نقض این اصل عرفی و قراردادی است. اگرچه رژیم تروریستی امریکا عضو کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای (UNCLOS) نیست، اما مدعی است قواعد آن را به عنوان حقوق عرفی می‌پذیرد. طبق این قواعد، کشتی‌های تمام ملل حق دارند بدون ممانعت در آب‌های آزاد تردد کنند. ایجاد مزاحمت برای کشتی‌های با پرچم کشورهای ثالث که به مقصد ایران در حرکت هستند، نه تنها نقض حاکمیت ایران، بلکه تعرض به حقوق تمام کشورهای صاحب پرچم است، بنابراین رژیم امریکا با این گستاخی و یاغی‌گری، امنیت دریانوردی جهانی را به گروگان گرفته و نشان داده است اصول حقوقی برای او، تنها ابزاری برای فشار بر رقباست و هر زمان منافعی اقتضا کند، این اصول را زیر پا می‌گذارد.

■ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و جبران خسارت

بر اساس پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) در خصوص مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی، هر عمل متخلفانه که به یک



تجاری و تهدید ناوگان حامل اقلام اساسی، به‌وضوح مصداق جنایت علیه بیش از ۹۰ میلیون ایرانی است. از منظر حقوق کیفری بین‌المللی، ایجاد آزار و اذیت سیستماتیک علیه یک جمعیت غیرنظامی به دلایل سیاسی یا مذهبی، می‌تواند در زمره جنایات علیه بشریت قرار گیرد. رژیم امریکا با سلاح اقتصادی و سلامتی به جنگ با مردم ایران آمده و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که حقوق بین‌الملل باید با تمام

درگیری‌های مسلحانه، قواعدی برای حفاظت از غیرنظامیان وجود دارد و لازم‌الرعایه است. راهنمای سن‌رمو که تخصصی‌ترین دستورالعمل حقوق جنگ‌های دریایی است، در ماده ۱۰۲ خود مقرر می‌دارد که اعمال محاصره زمانی که به گرسنگی جمعیت غیرنظامی یا محروم کردن آنها از نیازهای اولیه منجر شود، ممنوع است. اقدام اخیر رژیم تروریستی امریکا در متوقف کردن کشتی‌های

نفس محاصره فیزیکی، تجاوز است. امریکا با ممانعت از ورود نفتکش‌ها و کشتی‌های حامل کالا به بنادر ایران، هم‌اکنون در جایگاه متجاوز قرار دارد و طبق حقوق بین‌الملل، مسئولیت تمام پیامدهای مادی و معنوی این تجاوز بر عهده رژیم تروریستی امریکاست. **■ راهنمای سن‌رمو و خط قرمز جنایات جنگی**
فارغ از بحث تجاوز، موضوع حقوق بشر دوستانه (حقوق جنگ) نیز مطرح است، حتی در میانه



تحلیل

پس از خیانت چندباره رژیم امریکا در جریان مذاکره و تجاوز نظامی به کشورمان با همراهی نیروی نیابتی‌اش یعنی رژیم موقت صهیونیستی، گستاخی جدید رژیم تروریستی امریکا و اعمال آنچه «محاصره دریایی» علیه ایران نامیده می‌شود، مطالبات بنیادینی در حقوق بین‌الملل ایجاد کرده، به طوری که عملاً از مرحله تحریم وارد مرحله تجاوز شده است، بنابراین این محاصره یک جنایت حقوقی سسازمان یافته است که صلح و امنیت بین‌المللی را هدف قرار می‌دهد.

ادعای می‌شود حقوق بین‌الملل بر پایه صیانت از صلح و منع خودکامگی دولت‌ها بنا شده است و منشور ملل متحد در بند ۴ ماده ۲، به عنوان قاعده امره، هرگونه توسل به زور را منع کرده است اما چیزی که امروز در آب‌های اطراف ایران رخ می‌دهد، مصداق بارز تعدی از این قاعده است. محاصره دریایی به معنای انسداد فیزیکی شریان‌های حیاتی یک ملت است و در ادبیات حقوقی بسطیاز فراتر از یک اقدام سیاسی شناخته می‌شود و یک عمل جنگی جنایتی است.

وقتی رژیم تروریستی امریکا بدون مجوز صریح شورای امنیت دست به انسداد بندار می‌زند، عمل‌انظم حقوقی جهانی را به دوران پیش از جنگ جهانی دوم عقب رانده است؛ زمانی که در عصر قانون جنگل، قدرت نظامی تنها معیار تعیین حق و تکلیف بود.

■ قطعنامه ۳۳۱۴ سسند محکومیت صریح واشینگتن

اگر بخواهیم دقیق‌ترین مستند حقوقی برای غیرقانونی بودن رفتار امریکا را عنوان کنیم، باید به قطعنامه ۳۳۱۴ سسند عمومی سازمان ملل (۱۹۷۴) رجوع کنیم. این سند که تعریف متجاوزانه نام دارد، در ماده ۳ خود، فهرستی از اقدامات متجاوزانه را ارائه می‌کند که هیچ‌توجهی برای آنها پذیرفته نیست. بند «ج» این ماده صراحتاً می‌گوید: «محاصره بندار یا سواحل یک دولت از سسوی نیروهای مسلح دولت دیگر، تجاوز محسوب می‌شود.» نکته کلیدی این است که طبق این ماده، حتی اگر اعلام جنگ رسمی هم صورت نگرفته باشد (چه در آتش‌بس و چه در صلح،